

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

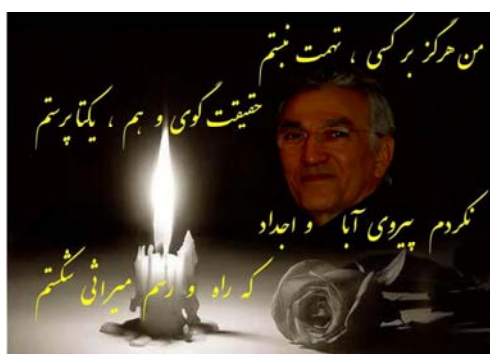
afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۱۲ سپتمبر ۲۰۱۸



به ارتباط غزل مرحوم هوشنگ ابتهاج معنوی (زبان نگاه) سروده شد

زبان فیسبوک

گر شدی فاش جهان، آنچه میان من و تُست... رسم دنیاست چو (فِس بُک) زبان من و تُست
گوش کن، بال لب اشعار سخن میگویم پاسخم، (شست) بُلند کن که بیان من و تُست
کار هر خار و خسی نیست، دهن باز کند از چه ترسی که فلانی، نگران من و تُست
اهل دل را نه هراس است و نه ترس است و نه بیم فاش سازم همه جا، آنچه نهان من و تُست
سخن از بلبل و گل گوی و هم از ساغر و جام تا بهاران شود هر آنچه، خزان من و تُست
قصه جنت و فردوس، بیا، مُفت کنیم ز خیالات، گذر، وقت و زمان من و تُست
ای خوش آن (شعر)، که تو، منبع الهام شوی با لم هر لحظه به خود، نام و نشان من و تُست
ناز کن ناز، که هر ناز، ترا میزید گرمی عشق، ز نرمی لبان من و تُست
کاش یکشب چو شکر، در دهنم آب شود لب و دندان و زبانی که از آن من و تُست
«نعمت» از (مردم کنجاو)، نترسد به خدا آتش بل شده عشق، به جان من و تُست

از نعمت الله محنت لارزاده به ارتباط غزل مرحوم هوشنگ ابتهاج مضمون (زبان نگاه)

زبان فیبوک

گر شدی فاش جهان ، آنچه میان من و توست رسم دنیاست ، چو (فیبوک) زبان من و توست
کوشش کن ، باب اشعار ، سخن میگویم پانجم ، (شت) بلند کن که ، بیان من و توست
کار هر خار و خبی نیست ، دهن باز کند از چه تری که فلانی ، نکران من و توست
اهل دل را نه حراس است و نه ترس است و نه بیم فاش سازم همه جا ، آنچه نکران من و توست
سخن از بلبل و گل گوی و ، هم از ساعسر و جام تا بهاران شود هر آنچه ، خزان من و توست
قصه جنت و فردوس ، بیا ، مفت کنیم ز خیالات ، گذر ، وقت و زمان من و توست
ای خوش آن (شعر) که تو ، منج الهام شوی بالم هر خط به خود ، نام و نشان من و توست
ناز کن ناز ، که هر ناز ، ترا می زیبد گرمی عشق ، ز نرمی لبان من و توست
کاش کیش چو شکر ، در دهانم آب شود لب و دندان و زبانی که از آن من و توست

« نعمت » از (مردم کجسکاو) ، نه ترسد به خدا

آتش بل شده عشق ، به جان من و توست